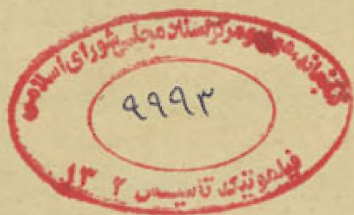


تقدیرات من آیینی مجری
 بکتابخانه مجلس شورای ملی
 آذرماه ۱۳۱۵ خورشیدی



بازدید شد
 ۱۳۸۲

بازرسی شد
 ۳۶ - ۳۷

<p>کتابخانه مجلس شورای ملی</p> <p>نام کتاب: کادستره (میزی املاک)</p> <p>مؤلف: _____</p> <p>موضوع تألیف: _____</p> <p>تقدیمی: _____</p>		<p>۸۱۰۰</p>
<p>شماره دفتر: ۴۳۹۰۹</p> <p>تاریخ: ۱۰۱۱۲</p>	<p>تاریخ: ۱۳۰۲</p>	<p>۸۱۰۰</p>

نگاری: _____
 نقلی: فهرست شده
 ۸۱۰۰

نایب الدین



کاداستره در لغت و از این عبارت است از مبنی املاک و
 اراضی و تخمین حاصل و تعداد نفوس و ماخذ اخذ مالیات
 کاداستره میباشد **باید دانست** که تمام ملل روی زمین
 همبسته از عالم بدو بت خارج و در مجمع مدنیّت داخل شدند
 طبعاً شخصی را شاخص کرده رئیس خود قرار دادند تا رفع
 نزاع ایشان نمایند و در اختلافات مابین آنها حکم باشد و
 آن رئیس را با اختلاف از منزه و امکانه پادشاه امپراطور
 خاقان مغفور کیانغ کی رای قصر سزار کرار
 سلطان امپرمولی شیخ رئیس باباسم دیگر از املاک
 و نظایر این اسمی نامیدند پس از آن جمعی را بمعاضدت و اطاعت
 او گذاشتند تا احکام او با عانت آن جمع مجرا شود این هیئت

که عبارت از شخص رئیس و جمع رؤس باشد موسوم بدو
 کرد بد و از اینجا که این هیئت مشغول خدمت و اصلاح
 امور ملت بودند لازم آمد که ملت حق زحمات آنها را
 ادات نماید تا هم مؤثر باشند باشند هم قوت و شوکت اصلا
 امور ملت این بود که مالیات رسم شد اما در مبادی
 که کارها کلیتر بوضع ساده میکنند و علم و دانش
 هنوز از قوه نفع بصورت فعلیت نیامده بود تحقیق
 حقوق ملل نکرده بودند و برای دول ترتیب قانون
 نداده رسم دریافت مالیات نیز بوضع ساده بود یعنی
 از صاحبان املاک و اراضی بدون متحد بد ملک و
 تعین مبلغ مبلغی دریافت میکردند و شک نیست
 که در بد و امر معاملات مبادله و مالیات از غیر اجناس
 بود چه ابداع و اختراع نفوذ و مسکوکات در وقت
 که بالتسیر امر تمدن بعضی یافتند و کار این عالم قوامی

گرفته بود و شاهدان مدعا منقوران تحت جمشید
 که نمایند رعا پارا که محصولات طبیعی خود را از نبات و
 حیوان و غیرها بحضور پادشاه آورده تقدیم مالیات
 نمایند و اگر کسی را بتواند فراغ نموده و تورات نظر
 باشد در این فقره تردید نخواهد نمود بالجمله بعد از آنکه
 قوام کار عالم محض تسهیل معاملات ام بصرب مسکوکات
 پرداختند و فلزات مسکوک را و اواج ساختند این بود که
 سبک مالیات تعیین نمود و در بعضی نقاط فقط نفوذ
 و جبر مالیات شد و در سایر حسب المناسبت نقد و جنس
 میدادند و کاری هر قسم که بود میگذشت تا تمدن قوس
 صعودی خود را طی کرده با وج رسید یعنی مالکان مالک
 دانستند مالیات بار عا یا مالیاتهای با و آ و را آنها هستند و حفظ
 آنها لازم است باید از غنای محفوظ مانند آثار باغات
 دولت شود برای دفع نقدی بخیال ترتیب قانون جدید

افتادند تا رعیت زیاده از حد طاقت چیزی ندهد و باغ
 دولت بی بهال و ثمر نشود یعنی عبت نا چیز و معدوم نکند
 این علت صحیح سبب ایجاد **کاداستره** شد و قرار بر این
 املاک و اراضی و فهم اندازه محصولان و تعداد نفوس
 تعیین هر گونه حاصل ملک گذاشتند تا بتناسب و بنا
 مالیات شود یعنی بهال بار و را بنزد بلکه از موه ان
 بهتر بزند تا فایده دولت مستدام بلکه مستزاد باشد
 خلاصه کاداستره متحد بد اراضی و املاک نمود و بتعیین
 منافع و محصولات آن پرداخت نامعین نماید که از این منافع
 و محصولات خبر باید بتوان دریافت کند و چیز دیگری
 بنامد که نفقه زندگانی خود را داشته باشد و باز در سال
 دیگر بهین منوال بلکه بهتر و بیشتر دهد و دولت از آن
 کسب فایده نماید و بر قوت و شوکت خود بیفزاید و بر این
 متحد بد و تعیین فایده دیگر نیز مرتب شد و آن این بود که عا

دیوان داشتند که حسابی در کار داشت نباید با هم مالها
 دیوان دارائی رعیت را از دست و گرفتن روی را نابود کنند
 و باغ دولت را بی نهال گذارند و اگر بعد از وضع و ابداع
 کاداستره باز هم رعایا بقصدی واجحاف شده از نابت نقص
 و نمانحی تشکیل اداره بوده است و هر قدر این اداره روی کار
 گذاشتن این منقصت حسب التاسب دفع شده است رعیت
 جان گرفتن کار کرده از حاصل زراعت و صنعت و تجارت خود
 مملکت را آباد کرده و قوت و شوکت دولت را زایل نکرد کاداستره
 اسباب امنی رعیت است و رعیت امن مانند نهالی است
 که شرايط چنان وجود آن بعل آمده کاملتر می دهد و
 دولت و ملت از این ثمهر بهره ورمیکرد و ما اگر از قرون لغت
 دارای این اسم یعنی **کاداستره** نبوده ایم اما رسم آن را
 داشتیم توضیح آنکه اگر از صد سال قبل ملت فرانسیس
 خیال افاده و پیروی کاداستره مینماید و سایر ملل اروپا

حشامنافع از املتفت شده بدان اتفاقا کرده اند ما بحمد الله
 در هزار و سیصد سال قبل با سبب این اساس عموده ایم یعنی
 شرع شریف مادر سیزده قرن صد ساله از این پیش این
 بساط شوکت و حشمت و رفاهیت و جلالت را برای ما این
 کرده زکوة و عشر قرار داده و نه تنها زکوة و عشر بلکه تمام
 حدود را معین فرموده است و مؤسسه این اساس **کاداستره**
 جاد دارد که روی انصاف خود را بجانب ما کرده بگویند

الفضل للمتقدم

و باز باید داشت که ناجداران سابق ایران کرا را بچنانال و
 ترتیب و اجرای کاداستره با قانون افاده و قدمی در این راه
 نهاده اند و دانستن آنکه صلاح در این است و خیر این نیست
 منتهی لفظ کاداستره با قانون نبوده معنی را که اجرای او امر
 شرع شریف است ملاحظه نموده اند و این نبوده است مگر
 تنبیه و التفات بر فوائد و منافع این اساس هر منفعت باریک

کاداستره بمنزل بنیان عمارتی است که شخصی میخواهد آنرا
 بنامد البتہ قبل از وقت باید ملاحظه محل و موقع را بنا
 و طرح و نقشه اطوری بریزد و بکشد که مناسب محل و
 موقع باشد مثلاً در منطقه حاره اگر کسی بنائی بنهد بنا
 از روی این بنا باشد که در منطقه بارده بنا میکند پس
 کار آگاهان دولت و مملکت باید مقتضیات امکان و
 ممالک خود را ملتفت شده بافضای زمان و مکان بتدریج
 قانون پاکاداستره بپردازند و بدانند که اصول آن باید هما
 کلیات و اراده از شرع شریف باشد و چون شرع مطاع
 حکم به پیروی احکام و اوامر مقتدر سر میهد بعبارة
 اخری مرهتبول قانون میباید از آن بهلوی کردن دلیل
 بی بصیرتی و بیخبری از فوائد این رسم مقتدر است مزید
 للتوضیح اظهار میشود وقتی که دولت از محصول طبیعی و
 صنایع مملکت خود بخیر است و بر مکت و استظاعت و عیش

خود واقف نیست چه چیز را با ماخذ اخذ مایات میتواند
 قرار دهد باقی المثل نمی اندوزد در آن سطح و سر زمین که
 خدا او را مالک و مختار قرار داده چند نفر یا چند صد
 نفر یا چند صد هزار نفر ساکن اند چه میدانند که از این سطح
 و سر زمین چه قدر قشون باید گرفت و چند تن را در زیر
 اسلحه در آورد پس کاداستره اصل یا مبدأ قانون است یا
 بنیانی است که باطینان بر روی آن بنامیند چون
 دولت از مملکت خود بد رستی باخیر شد و دانست چند
 فرسخ زمین بلکه چند میل مختصر بلکه چند شبر از این سبنا
 را خدا بود بعت و امانت با و سپرده و چند نفر را راضی
 محکوم و سکنی دارند لابد باید بتربیت موردنندگان آنها
 یعنی به پیشرفت کار خود بپردازد امور کشوری و لشکری
 خود را منظم سازد در سو و عسکر و لوازم آن که اسباب
 مدافع خارج است و در مزو و صناع مملکت و تشویق

اهالی آن که سر مایه حصول اسباب سوق عسکر و رفاه
داخل است و در موازنه دخل و خرج دولت که ایستاد انضباط
و انتظام و از دبا دشان و شوکت دولت است در فراهم
ممودن و سایل ارتباط با خار صیر که باعث طلاع و حصول
فوائد و اجتناب از مخاطرات است و در باز نمودن راهها
تجارت که بهترین سر چشمه ها جلب منفعت است و در
استخراج سایر دفاین و خزاین دولت که از جمله معادن و ایهها
روی زمینی و زیر زمین و فروع و دیگر است دولت
وقتی موفق و فاد خواهد شد که کاداستره را در مد نظر
داشته باشد و بمقتضیات آن عمل نماید و بموجب مسطور
فوق و برهان آن واضح و کلامی میباشد که بر پیر وی قانون
صحیح عاده لانه تمام مقاصد و مطالب عالی محصور و موصول
خواهد شد و آن قانون صحیح عاده لانه او امر شرع مطاع است
نکته که در کار است این است که بعضی از مالک در فهم آن

اوامر و اجرای آن جدی بپزاش نموده اند و بر خن این راه را
بقدم سعی و اهتمام پی برده اند و اگر حمل بر عراق نشود میتوان
گفت که کور هادیده و کرها شنیده اند که کتاب شرایع ما را
اهالی فرانک ترجمه و طبع کرده و بدان عمل نمایند پس معلوم
است که ما غافل و سایرین در کلیه احکام و اوامر تتبع کامل
نموده اند و ضعف بدین ما را از مجاهدت باز داشته خود
نمیتوانیم مطالب اکامی استعضا کنیم لهذا باید قانون
تحقیق و تدقیق شده و سر مشق قرار دهیم و البته بعضی از
مصول قانون فراموش است و نیز در کان گفته اند تقلید
تحقیق نوعی از تحقیق است و بر پیر وی تحقیق یعنی سزاوار
و مقلد بصیری الحقیقه محقق حیر است

تکلیف

مپتری و متحد بد جد و در وسعت املاک و تعیین قیمت آنها
چنانکه پیش گذشت گذشت از اینک برای اخذ مالیات

اهمیت دارد مثل بر فواید دیگر نیز میباشد مثل اوقتی که
حدود املاک بد رستی مشخص باشد کمتر ملک و محلی مشاع
و نیز خواهد شد و اگر هم بشود با سانی دفع نافع میشود
مراغه بطول نمی انجامد و حقوق صاحبان از میان نمیرود
و عمل بیع و شرا و انتقال و هبه و غیرها صحیح و منظم میگردد
فوائد املاک موقوفه ضایع نشده بمصارف منظوره و مقصد
میرسد و نفع کلی را باین تعیین حدود و وسعت املاک
و تعیین قمت آن ایدست که دولت بتناسب حاصل منفعت
اراضی و مزراع و مستغلات از ایشان مایلان خواهد کرد
و زیادت بر هیچکس نخواهد شد و دولت نیز از این بمنفع
میشود چه امور مالی خود را منظم مینماید و پس از حصول
این نظام امور عسکر و نظام و سایر مهم دولتی و حکومت
از فواید عامه و دوا بر علمیه و غیرها رویت میگذارد
و مملکت و رعیت معمور و مرفه میشود بنا بر این اداره میسر

املاک و اراضی مستغلات از ادارات مهمه دولت شهر می
شود پس هر دولت لازم است بموجب تناسب و اقتضای
ملکت و گنجایش آن اداره مهمتری برقرار کند و آن از روی قانون
باشد و قانونی که مناسب اداره مهمتری ممالک محروسه ایران
باشد بفرمان از قرار ذیل است و دانشمندان کارگاه در
هر جای آن تصور و فوری مشاهده نمایند پس از توضیح
ممکن است بجمع و تعدیل آن بپردازند **باب اول**

و مأمورین **فصل اول** اداره مهمتری املاک و

اراضی و مستغلات و تعیین و تحدید حدود و وسعت
و قمت آن تشکیل میباید بوجود یک نفر مدیر که از رجال
کار دان باشد و انتخاب این مدیر کافی را شخص پادشاه
مینماید و اجزای این اداره عبارت است از یک نفر محاسب
امین و یک نفر منشی و یک نفر مهندس قابل و پنج نفر محتر

برای برداشتن ثبت و یک نفر فزدار و یک نفر خولدار و

این اداره دریای تخت تشکیل مییابد بنا بر این میتوان این

اداره مرکب نه گشت **فصل بی ویم** اداره مرکب

بصوابد و زیرمالت و سایر وزرای دریای برای هر

ولایت بقدر وسعت و تناسب کجا بش آن دستجا مامور

معین خواهد کرد و یکدسته از این دستجات در کرسی آن

ولایت اقامت مینماید و بای بنواحی و بلوکات میروند و

کلیت در تخت یک نفر مدبر میباشند و فرمان همایون نیز

در باب ماموریت این هیئت شرف صدور خواهد یافت

فصل سویم مدبر هر ولایت بامور ثبت حفظ

دفاتر و اوراق میپردازد و مراقبت میشود که مامورین از

حد و قانون تجاوز نکرده مرتکب خلاف قاعده نشوند

بعلاوه از جانب دولت بهر ولایت مقتضای فرستاده

شود که ملققت کلیت اعمال مامورین باشد و ازینک

و بد آنها در بار دولت را خبر دار نماید **فصل چهارم**

هر دست ماموری که از ولایتی بناچار و بلوکی میروند عینا

است ازین رئیس و یک نایب و یک نفر مهندس و دو محرر و

چهار مساح و دو نفر همیز **فصل پنجم** دست مامور

که در کرسی ولایت مقیم است عبارت است از یک نفر محاسب

و یک نفر مهندس و یک نفر معمار و یک نفر همیز و دو نفر محرر

تجربه و قایق و سه نفر نوکسند برای ثبت برداشتن و یک نفر

دفتر دار **فصل ششم** اندازه کار و شغل

کلیت محررین و نوکسند هادر مجلس شورای دریای را و

میشود و بنسبت رزحمتی که دارند برای هر یک مواجب معین

میکرد و کلیت مامورین که بولایات میروند مخارج دهشت

در ضمن مواجبشان ملاحظه شده حق ادعای خرج راه

علیه ندارند مگر مامورین فوق العاده که باینها مخارج

راه داده میشود **فصل هفتم** مخارج مامورین

شرکات علاوه بر مالیات میشود و از اهالی دریافت میشود
و از برای اینکه مواجب مأمورین در آخر هر ماه نقد و بدون
معطلی برسد وزارت مالیه میتواند همراه معادلان از بانک
قرض کرده برانهای تجار فی وجه بهر و لا ینال اصاله دارد

فصل هشتم **هیچیک از مأمورین بهیچ اسم و رسم**

نباید چتر و پنداری از صاحبان املاک و اراضی مستغلات
مطالبه و اخذ نمایند و هر چیزی که محتاج باشند باید اهالی
محل بقیعت عاده لا یعنی نرخ روز یا بفایز و بشند و اگر مأمورین
با اهالی خلاف بخم نمایند بر طبق فصل باز در هم از باب هم
مورد مواخذ و مجازات خواهند شد **باب دومین**
در تکالیف اعمال دار و مقام مأمورین اصول اعمال و تکالیف
اداره مبنی بر مقام مأمورین اتحاد بد حد و محلات بلاد و تقسیم
هر محله بخند گذر و تعیین مثلثات اراضی و املاک و درج
کردن آنها و طرح نقشه اراضی و مزایع و تحقیق وضع و قیمت

مستغلات است اما اتحاد بد حد و محلات را باید بکنفر مهندسان
درجه اول بنماید و در باب هر محله تحقیقاتی که مینماید در کار
بنویسد و امضا کند و که خدای محله نیز باید آن را بجز را
امضا نماید و همین رسم را در گذرهای محلات مرسوم و مجرای
دارد تا هر طرح نقشه اراضی سهل شود و صاحبان املاک و
اراضی نیز بتوانند بسهولة حد و زمینهای خود را معین
کنند اما مثلثات عبارت است از بعضی حسابها در این علم یعنی
در علم مثلثات که بواسطه آن میتوان سطح زمین را ذرع کرد
اراضی را باید مهندسان درجه اول از روی علم مزبور بخند بد
کند و حاصل تحقیقات خود را نوشته بر رئیس مهندسان
رئیس مأمورین بدهد و او اول باید در دفترخانه خود این
حساب را رسیده کی کند بعد در عرض ماه بمحضه در املاک
حضور هر رساند و تحقیقات بعمل آرد پس از آن تحقیقات
خود را با تحقیقات مهندسان مزبور تطبیق نماید اگر صحیح بود

حاصل ثابت و مرقوم دارد و باید دانست که قبل از تعیین مثلثات
دفع کردن اراضی ممکن نیست و محله‌هایی که میخواهند زمینها
انها را دفع کنند در صورت وجود یعنی بعد مهندسی
درجه اول باید میان آنها تقسیم کنند و که خدا بان محلات
بموجب حکم حکومت باید بمهندسیین معاونت نمایند پیش
از وقت بعضی تحقیقات بعمل آورده بآنها بدهند نیز که خدا
هر محله باید اعلانی نوشته بموجب آن بصاحبان املاک محله
خود خبر دهد که فلان روز فلان قسمت از محله را دفع خواهد
کرد تا صاحبان املاک در آن روز یا بشخصه حضور ببرسانند
با و کل از جانب خود بفرستند و اطلاعات لازم بمهندسی
داده شود و در هر ملکی اسامی صاحبان آن با اسامی خود
املاک را باحد و ده قمتی باید نیز که خدا نصیب و امضا
نماید و مهندسیین نقشه املاک را بر حسب حقوق صاحبان
آن طرح و رسم خواهند نمود و طرح نقشه از روی هر قسمته

۱۹
از املاک برداشته خواهد شد و نماز قمتنها با از باب
اختلاف در زراعت است با از جهت مالک یعنی این قسمت
تعلق بکسی دارد و آن قسمت متعلق بدیگری است و هر قدر
بکفطه زمین در دایره دو مستحفظ قرار گرفته باشد دو
قسمت محسوب میشود مهندسیان امور دفع کردن اراضی
و طرح نقشه هر یک کار خود را با انجام رسانند برپایه مهندسی
اطلاع میدهند و او شخصاً در همان اراضی حاضر میشود و
تمام صفحات نقشه را تحقیق و تدقیق مینماید و اگر جرح و
تعدیلی لازم باشد بعمل میآورد و باید این جرح و تعدیل را
حکومت بلدت تصدیق کند و آخر الامر دفتری از نقشه تمام
قطعات اراضی پرداخت میشود و آنرا باید بر کل میدهند و
نقشه و کلا بابت و مالک کلیت از روی آن دفتر مرتب و منقح
میکرد و مهندسیین در نقشه‌های خود باید اظهار دارند
که بحیثیت فاعله اراضی اذرع کرده و مأخذ حسابهای که

مونده اند چه بوده تا نقشه کلیه از هر کوزه سهو و خطا مضمون
و محفوظ بوده باشد نیز مهندسین هر قطعه
زمینی را درع کردند صورت حساب از اوصاف آن زمین
میدهند صاحب زمین اگر آن حساب اصح است آنها
و الا میتوان مجدداً بحساب بپردازد و اگر مهندسین
کرده بر او مدلل نماید و در هر حال بعد از صحیح شدن حساب
که خدای محل آن حساب انصاف حق و امضا مینماید و بعد
از آنکه این حساب از دفتر رئیس مهندسین و مأمورین
گذشت صورتی از آن بطور نقشه جغرافیائی کشیده برای
همان محل نگاه میدارند و نسخه اصل را اداره ممیزی نگاه
داشته میشود و چنانکه پیش از این اشاره نمودیم از روی این
نقشه ها که هر یک متعلق بیک قسم زمین است نقشه یک محل
و یک ناحیه ترتیب و تشکیل مییابد و از روی نقشه محلها و
نواحی نقشه یک ولایت و از روی آنها نقشه مملکت مکتوم میگردد

و معین است که در نقشه یک محل یا یک ناحیه طرف عمده و اینها
و جبال مخصوص مشتمل بر شهرها که نشین و قرا و نقاط مقرر
نشان داده میشود نیز مقرر است که صاحبان املاک و اراضی
وقتی که نقشه زمینهای خود را از مهندسین میگیرند حق
الترجیه باید بآنها بدهند و تعیین مآخذ این حق الزحمه از روی
قیمت ملک و قرا و عادلانه است که مقرر اداره ممیزی بصورت
مجلس شورای دولت داده است چون ترتیبات مسطور
در فوق بعمل آید باید با انعقاد مجالس محلی یا محلهای مختلف
مدیر مالیه از سکنه محل یا محله ایها را که بیشتر از سایرین
ملک دارند حاضر کرده مجلسی منعقد مینماید صاحبان املاک
و اراضی مزوره هر محلی بخیفرا از میان خود یک یا دو نفر
دهند و این بخیفرا برای تقسیم کردن اراضی بدو نامی باشند
دو نفرشان باید از خارج آن محل باشند بشرط آگاهی از آن محل
و سه نفر از اهالی همان محل و بخیفرا نام هم برای این بخیفرا

منتخب میشود و گاهی چند نفر اهل خبره هم بر اشخاص مزبوره قرار
شده مجلس شورای محلی تشکیل مییابد و مستوفی که حساب
مالیات محلی بدیندوست با اجزای مجلس تطبیق درجات
اراضی میبرد ازین وزینها بشکله ذراعت میشود از حیثیت
فائده و اندازه حاصلی که از آن عاید میشود بر پنج درجه تقسیم
مینمایند اما خانه ها که آنهم از املاک است در شهرها و قصبات
معتبر در تحت درجات در معنی بدلیکه فرجه ای با بدلیقه
شود و در دهان میتوان خانه ها را بدیه درجه قرار داد و تقسیم
کرد و کارخانجات و امثال آن نیز در تحت درجه نخواهد بود
و در امر تعیین درجات املاک و اراضی کاشتگان مختارند
که هر نوع تحقیق بعمل آرند و هنگام تعیین درجات صاحبان
املاک و اراضی با وکلای آنها و مستاجرین باید حاضر باشند
و اگر ایراد و اعتراضی دارند باید دلیل و موجب اظهار نمایند
بعد از تعیین درجات اراضی املاک کاشتگان بمعاونت اهل

خبره مأخذ را حاصل و فائده ده هزار ذرع زمین مرتفع قرار
دهند یا بمعنی که معین میکنند حاصل و فائده ده هزار ذرع
زمین درجه اول چه قدر و چه مبلغ است هم چنین حاصل
فائده ده هزار ذرع زمین درجه دوم و سیم و چهارم و پنجم
در این مورد هم صاحبان املاک با وکلای آنها یا مستاجرین حق
دارند که اگر ایراد و اعتراضی دارند باید دلیل و موجب اظهار کنند
و اگر ذبحی شدند بر آورد کاشتگان را جرح و تعدیل نمایند
بعد از آن صورت بر آورد با اداره وزارت مالیات داده
شود و صورتی هم بکند خدای محل داده نگاه میدارند و
مستوفی محاسب محل با اجزای شورای محلی میتوانند از روی
مأخذ مزبور تعیین مالیات محلی را بنمایند و مدبران را در پیش
بعد از تحقیقات لازم صورت مالیات محلی را تصدیق و
امضا کرده بوزارت مالیه میبدهد و این صورت باید
مشتمل باشد بر اسمی صاحبان املاک و اراضی و مستغلات

و نمرة نقشه ها و اسامی امکنه مشهوره محل و وضع املاک
و وسعت هر قطعه زمین و تعیین درجات و مداخل هر قطعه
زمین و در ذیل صورت باید جمع و سعت اراضی و مداخل
ان و مالیات آن نوشته شده باشد چون این صورتهای
بابت ثببات مذکوره ب اداره وزارت مالیه رسید در اینجا
ثبت دفتر استیفاء میشود و بلاذیکه اهمیت و وسعتی از
دفاتر مالیات آن منقسم بدو قسمت میشود در یک قسمت
خانه ها و باغات و اعمه در داخل شهر بترتیب کوچ و نمرة
خانه ثبت میشود با فهرست الف بائی اسامی صاحبان آن
در قسمت دیگر املاک آباد و غیر آباد خارج شهر ثبت
نمایند و صورت ثبت هر محل نیز باین محل داده میشود و باین
ترتیب تعدی و تخلف از اصل مالیات غیر ممکن خواهد بود
و از مطالب مهمه اینست که هر سال تغییرات و انتقالات و
در ظرف یکسال را محاسبین مالیات در دفاتر ثبت کنند

تخصیص داران که مأمور اخذ و جمع اوری مالیات میباشد
شش ماه یکبار صورت جمیع تغییرات و انتقالات را محاسبین مالیات
بموجب اسناد صحیح بدهند و آنها ثبت دفتر محلی کرده در کتابچه
دستور العمل که بتخصیص داران سال بعد میدهد آن تغییر و
انتقال را منظور دارند تا اسباب تسهیل عمل آنها شود و بعد از
آنکه در دفتر محلی هر گونه تغییر و انتقال ثبت شد در دفتر کل
هم ثبت میشود ده روز قبل از آنکه بتخصیص داران شروع
باخذ مالیات کنند باید که خدای هر محل بصاحبان املاک و
اراضی اعلام نماید که موقع دادن مالیات شده نا بهنگام
و قبل از وقت مجلس کرده مشخص نمایند که کتابچه تخصیص دار
با صورت یکدر محل است مطابق است با اختلافی دارد و از
تغییرات و انتقالات مذکور نمایند تا عمل کامله منتهی گردد و
حکومت هر ولایت باید از کلیات امور مسطور در فوق باخبر
باشد و قوانین مزبوره را کلیه حتمی الاجراء بداند این بود

اصول و کلیات تکالیف و اعمال اداره ممیزی و مأمورین و سبقت
للتوضیح فروع و جزئیات از این در ضمن بازده فصل ذکر می‌نمایم

فصل اول مأمورین ممیزی که بویکایات میروند همین که

بکری رسیدند باید مستقیماً بحضور حاکم رفته و فرمایان
همایون و دستور العملی که از وزیر مالیه دارند بنظر او برسانند
و تکلیف حاکم اینست که بحال انظار او در دارالحکومه یا محل مسکن
دیگر بارضای صاحب آن جای دهد که اسباب جنایات نشوند

فصل دوم سرروز بعد از ورود مأمورین حاکم هر بلد

مجبور است که خداپاوان محلات و پیش سبقتان دهات را بدار
الحکومه دعوت کند و فرمان همایون که رسند مأمورین

مأمورین است بگوید آشکارا برای انظار او نمائند و ایشان
را بر فواید و منافع ممیزی متنبه نماید و فرایش و مأموری که

برای مأمورین ممیزی لازم است معین کند تا با اتفاق مشغول
وضع و ترتیب نموده خانه‌ها شوند **فصل سوم** حکومت

هر بلد مکلف است باطلاع اعیان و کد خداپاوان و پیش سبقتان
برای همراهی هر دست مأمور که بحالها و دهات میروند یک
نفر ذارع با مهارت و یک نفر معمار معین کند که ذارعها پس از
مساحت راضی حاصل بخیز و معمارها پس از مساحت مستغلات
ببقیم املاک و اراضی بپردازند و اینجمله باید بقتد قسم آید

و در ستکاری خود را ملتمز شوند **فصل چهارم** بعد

از فراغت از نموده خانه‌های مأمورین مشغول بخرید

املاک و تعداد نفوس محلات میشوند و کد خداپاوان و پیش
سبقتان با ایشان همراهی دارند و اینجمله باید داخل تمامی خانه‌ها

ها شده حد و دار بجز زمین و طبقات عمارت و عدا طاقها
تختانی و فوقانی حتی زیر زمین و انبار و مطبخ را با ذرع و

باسم مالک ثبت کنند و در این وقت عنوان در اطاقی نشسته
مزاحم و مانع کار مأمورین نخواهند شد و باید دانست که رعایت

سلطنتی و سفادخانه‌ها از این حکم مستثنا است

فصل پنجم هر خانه که در اجاره مساجری باشد

اسم مساجر و مبلغ اجاره و نفوس آنها با شرح مسطور در
فصل چهارم نگاشته خواهد شد اما آنها بیکه مساجر دکان
و کاروانسراها میباشند اگر در همان بلد خانه ملکی و اجاره
داوند اسم ایشان در ضمن شرح خانه نگاشته شده و اگر شب
داور دکان و حجرات بزمینند و غیره میباشند اسم
ایشان در دفتر غریبای داخله یا خارجیه ثبت خواهد شد

فصل ششم چون اسمی اهل هر خانه ذکر او و اناش

بانا برنج و کدو و از دواج و شغل و صنعت و عوارض دیوانه
ایشان نوشته خواهد شد طبقه ذکر در محضر مأمورین
باید حاضر شوند و چون طایفه اناش از حضور یافتن ممنوع
اند صاحب خانه اسمی آنها و پدر آنها و سایر شرح ایشان را
نوشته بامورین خواهد داد و اگر یکی از آنها مالک ملکی
در آن بلد باشد آنرا هم اظهار خواهد نمود و اگر از اهل خانه

یک نفر بفرشته باشد باز بزرگتر خانه بشرح مسطور اسم
او را نگاشته با محل مسافرت او بامورین خواهد داد

فصل هفتم املاک و عمارات سلطنتی و اینست

عمومی از قبیل تلکرافخانه و قورخانه و سفارتخانه و غیرها
از تقویم و بعضی بحد بدات معافند اما اموال و اشپا و

کتاب مساجد و معابد و اماکن راهها و مزارات باید با تفرا

ثبت دفتر املاک شود **فصل هشتم** قیامت عمومی

املاک و اراضی موقوفه یا مبلغ مال الاجاره آنها و اسم اهله

و متولی و مساجر و شروط و وقت باید ثبت دفتر شود و

صورتی ازان بوزارت اوقاف دهند که آنها را از ثبت بدل

مملکت و خراجی محفوظ دارد و هر سال از متولیان حساب

مناصع را بخواهد و معلوم کند شروط و وقت تمام بعمل آمد

است بانه و در این محبت تحقیقات و بیانات دقیقه است

که ذکر شده ازان در اینجا فایده نیست و ان این است که یاد

ایران در صورتیکه سلطان اسلام و مالک رقابتهای و
اولوالامر است باقیدیکه با اجرای و امر شرع مطاع و قوانین
عادلانه و مقاصد حسنه که اصل و مبنای محکم دین خبیثست
دارد شرعاً میتوان گفت در مداخله با امور موقوفه ذبح حق
و اعلام علما که کاشف حقایق و دقایق و واقف اسرار و
اخبارند اگر بسطورات ذیل بنظر توجه و دقت بینند نصیب
این گفته نمایند و دانند که پادشاه اسلام در مداخله با امور
موقوفه ذبح حق است و حاصل کلام آنکه ملکی را که وقف می کند
با بملاحظه اعقاب است بایستی دستکاری عقبی و فقط
مداخله پادشاه و نظارت و زیر اوقاف میتواند واقف باشد
مقصود نابل سازد این مداخله و لا فایده که از برای ملک
وقت دارد این است که نمیکند از خراب و بی فایده شود و قصد
واقف در پادشاه نابد و کردد تا بنمایند نمایان را بران مبادد
باقضای وقت و زمان بر معموری آن بفرمایند نافایده و

حاصل آن زیاد شود و عرض کند ملکی را شخصی وقف اولاد
نمود یعنی این وقف بملاحظه اسبابش اعقاب بود ملک بکر
را شخص دیگر وقف مدبر سر کردد و عقیبتی دستکار کردد
و حاصل این هر دو ملک جن وقف کردن یکی صد تومان
شد بمداخله پادشاه و نظارت و زیر اوقاف فایده این ملک
گذشت از اینکه تزلزل نکرد پس از چند سال مضاعف شد
انوقت مخارج اعقاب مصارف مدبر سر امیختند اگر چه
الحقیقه آنهم بواسطه تعدد و تکرار خلاف و تفاوت و تضام
مضاعف شده آن زیادتی باز حق آنها است و اگر مخارج
مصارف بقدر روز و اول است با قدری بیشتر و موقوف
علیهم یعنی اعقاب و مدارس عیال متولیان زیادتی آن را
بمصارف بهبوده خواهند رسانید چه ضرر دارد بامر
پادشاه و نظارت و وزارت اوقاف بمصرفی رسد که باز
میتوان گفت همان مصرفی است که واقف قصد کرد مثلاً

ایشان نمود و کدام خبرات از اینها بالا تر و ایا واقفین املاک
جز چیز خاصه و چیز عامه که خبر اعقاب و عقبی باشد خبر
در نظر داشته اند در این فصل هشتم چون خبری تجاوز
از حد و حجاب است نمود بعد از عرض معذرت از دانسته شدن
مملکت میسرسم ایا با وضع حال به عشری از منافع و حاصل
موقوفه خبری که واقع فتقد کرده می رسد یا نه اگر نمی رسد
پس فقرات معروفه را اصل الصدوق و فرعاً اصلاح فرمایند
و فتوای این از پیشوایان خبر اندیش خدا شناس که انوار هدا
و ارباب درایت اند در خواست نماید **فصل نهم**

در همان وقت که بعضی از مأمورین مشغول بخرید املاک و
تعداد نفوس شهر میباشند بعضی دیگر مساحت و تعیین درج
و مقدار حاصل باغات و بیاتین و مزارع و مراع شده در
هر باغی را شماره انواع آنها را علیحدّه ثبت دفتر نمایند
و اگر در هنگام مساحت آثار خرابه یا احجار منقوره و اشیا

عقبه یا مواد معدنی که کاشف از وجود معدن باشد در
جائی یافت شد بر رئیس مأمورین خبر میدهند و او مدبران
متمیزی را مطلع میسازد و مدبرین در بار دولت اطلاع و راپورت
میدهند که در اینجا کشف شده تحقیقات بعمل آید

فصل دهم هنگام مساحت و تحریر اراضی باید

صاحبان املاک یا کاشتگان و وکلای آنها حاضر باشند و
هر قسم اطلاع لازم باشد بمأمورین بدهند تا از ضبط و خطا
و مشکلات محفوظ بمانند **فصل یازدهم** مأمورین

باید حدود املاک و حاصل آنرا با وضع آبپاری در دفتر ثبت
کنند و اگر ملک از فنائی آب امتیاع میکند با حق دارد و قهت
از آب امتیاعی و شرایط و حدود آن حق را با شرح و ضبط نیز
در دفتر ثبت نمایند **باب سیم** در بیان انواع اراضی

املک و ان مشتملست بر چهار فصل **فصل اول** بر
مأمورین امور متمیزی لازم است که پیش از هر کار از انواع و

اقسام املاک و اراضی با خبر و واقف باشند و بدانند و لا
 تمامی املاک منقسم بدو قسم میشود اراضی مزروعی و غیر مزروعی
 قابل کشت و زرع و مستغلات مثل خانه و کاروانسرا و حمام
 و دکان و امثال آنها **فصل دوم** در تقسیم ثانوی عمو
 املاک بچهار قسم منقسم میشود **اول** املاک سلطنتی
 که عبارت است از عمارات و باغات و کارخانجات و سرایخانه
 و انبار و جنبکها و قورقهای مخصوص دولتی و تکرانخانه
 و قراولخانه و سفارتخانه و قونسولخانه و بیلاغات مخصوص
 مأمورین دولتی که متعلق بدولت دارد و نظایر
 و امثال آنها **دوم** املاک عمومی از قبیل مساجد و تکایا
 و زوایا و آب انبار و سقاخانه و معابد ملل خارجی و مرصحات
 های تجاری و باغاتی که برای تفریح عامه ناس است و موافق
 و مراکز راه آهن و قبرستانها **ثالث** مستغلات که عینا
 است از حمام و کاروانسرا و دکان و بیونبات اجاره نشین و

اسباب و هر زمینی که در مقابل یکسایه یا جنبی موقوف است
 دیگری داده میشود **رابع** املاک خاصه که عبارت است
 از خانه و باغ و بوستان و اراضی قابل کشت و زرع

فصل سیم در بیان دو قضایات چون باید اسمی معرّف
 خیابانها و کوچهها و نمونه خانهها نوشته شود عیال الخط
 جلی بزرگ و مرتز در سر کوچهها و خیابانها باید آن اسمی
 بنویسند و نمونه خانهها را بکند از بدو ترتیب نمونه خانهها از این
 قرار است که بیونبات یکطرف کوچه را بعد دفر نمونه میکند
 باین قسم ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

و طرف دیگر را بعد از زوج باین قسم ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴
 و بعد ها از اسمی و نمونهها بر روی کاشی
 نکاشته و نصب خواهد شد و حمام و کاروانسرا و امثال
 آن از باب نمونه در حکم خانه است بعلاوه اسمی معرّف آنها
 نیز نوشته میشود **فصل چهارم** اراضی نیز باید دو

و تعیین آن خود قطعه قطعه متاعی و ممیزی شده ثبت دفتر
خواهد شد **باب چهارم** در بیان تکالیف کمپسون
نقویم و تعیین و تفریق اصناف و آن مشتمل بر ایزده فصل
فصل اول اهالی هر محله و نظر از اشخاص با اطلاع بی
عرض که نشان کمتر از چهل سال نباشد انتخاب کرده و
کلیه اشخاص انتخاب شده نامیده میشوند هیئت کمپسون
و هر یک از آن اشخاص یکی از اجزاء و اعضای کمپسون میشوند
فصل دوم کمپسون مزبور مأمور تعدیل و تسویه قیمة
املاک و اراضی و تعیین و تفریق درجات اصناف خواهد
شد **فصل سیم** اجرای کمپسون بعد از نقویم و
تعدیل املاک و مستغلات کلیه معلومات خود را در دفتر
دستی ثبت خواهند نمود و در تحقیق حدود باغات و پستان
و مزارع و درجه حاصلخیزی آنها کمال دقت را بکار خواهند
برد و در این تعیین و ثبت نموده اند تصدیق و امضای

مفتش و مدبر مأمورین تحریریه از اعظم شرایط است
اگر در تعیین و تعدیل و نقویم ملکی و مستغلاتی اجزای کمپسون
سهوی کرده باشند صاحب ملک و مستغل حق دارد که
سهو آنها را مدلل نماید و پس از ثبوت آنها دفتر خود را تصحیح
خواهند نمود نیز اگر کسی ملکی یا بگری یا بیع شرط گرفته
باشد باید بکمپسون اظهار کند و سند خود را ابراز
نماید تا اجزای کمپسون آن را در دفتر خود ثبت نمایند
فصل چهارم دفاتر اصناف از دایره ممیزی بکمپسون
داده میشوند و اجزای کمپسون آن را در حضور رئیس
سفیدان و رؤسای اصناف به پنج درجه قرار میدهند
فصل پنجم بعد از تکمیل معاملات لازم و نوشتن
قیمت و مال الاجارة املاک و اراضی و تعداد نفوس و
مالیات معتبر در دفتر دستی حاکم و مفتش و مدبر و رؤسای
هر دست و اعضای کمپسون و بعد از آن دفاتر را مهر و امضا

مبنایند **فصل ششم** مأمورین مقیم هر بلد از رؤ
دفتر مهر و امضا شده مسطور در فصل پنجم لخبیر شد
در دفتر خود ثبت میکنند و ذیل آن دفتر را با اعضای
کمیسیون مهر و امضا مینمایند و ازین رو پنج قطعه جدا
مواز که جامع تمام معاملات و تحریرات آن بلد است ترتیب
خواهند داد **فصل هفتم** مفتش تحریر آن ولایت سه
قطعه از جدول مذکور را با عرضیه بوزارت داخل و مایه
و اداره مرکز تحریری خواهد فرستاد و دو قطعه دیگر
بدفتر استیفا ولایت و رئیس مأمورین ممیزی آن سپرد
خواهد شد **فصل هشتم** هر سال یک ثلث از اجراء
کمیسیون تغییر خواهد یافت و انتخاب ثلث جدید با
اهالی و با استصواب رئیس کمیسیون و رئیس مأمورین
آن ولایت خواهد بود **فصل نهم** کمیسیون مزبور
بعد از تکمیل اعمال ممیزی و تحریرات هفتگی بکروزر در اطاق

مخصوص واقع در دایره حکومت جمع شده در جداول و دفاتر
دهات و قضایات تابعه ولایت ثبت و قیامات بعمل خواهند
آورد **فصل دهم** کدخدایان هر محله و رؤسای و پیش
سفیدان اصناف باید در اخر هر ماه صورت اطفال متولد
شده و وفیات و انتقالات و مستحقات و مزاجات و
طلاق و اقعه در انماه را بکمیسیون بدهند و در ملک
صاحبان املاک اگر خرابی و خللی واقع شده باشد نیز
بتصدیق کدخدا و پیشماز محل و محله یا عرضیه باید بکمیسیون
اطلاع دهند و در هنگام تعمیر و تجدید مستغلات و عمارت
معماران باید اجازه از کمیسیون بگیرند و بی اجازه خشنه
بزمین نکلانند هم چنین هیچ موجر و مستاجر حق ندارد
بدون اطلاع کمیسیون با اجازه و استجاره ملکی اقدام نماید
و در هنگام مزاجت زوج و زوجیه و کرایه آنها باید اجازت
نامزد کمیسیون بگیرند و پیشماز که اجرای صیغه عقد

و نکاح دائمی و غیر دائمی بنماید بایند برون ملاحظه انجا
نامر با جزای صغیر نیز داند واحدی از ذکور وانات حق
ندارد بی نذکره موقوف می از حدود ولایت خود بیرون
گذارد و هر نوع قبایح ملک بایند در د فترت ثبت شود و
غیر از روز جمعه و عباد هر روز بنویسند بایند یکی از اعضا
کمپسیون در اداره حاضر شود و از معا ملائی که در آن روز

واقع میشود سایر اجزا را خبردار نماید **فصل پانزدهم**

محض بر کشتی و رسیدگی بامور این بنده جدید و غیرها
بایند بکف فهار با هیئت کمپسیون مشغول خدمت باشد
و هر آن عائی که صاحبان مشغلات و این بنده بامعاران
بنمایند کمپسیون برسد کی ان خواهد پرداخت **باب**

پنجم در تکالیف هیئت مقیمه تجرید بران

مشتملست بر دوازده فصل **فصل اول** محاسبین
مأمور هر بلد را وزیر مالیه منتخب و مأمور خواهد نمود

هر وقت مدبر هیئت مقیمه غایب باشد رسیدگی بامور
را حجت باین دایره و وقت در صورت اعمال و مهر کردن تذکرها
و جواز و غیره و نذکره حق در محاسبات و جداول ثبت اعمال
مأمورین و تصدیق قبوض مواجب عموم کارکنان بر
عهد محاسبین است **فصل دوم** در هنگامی که

مأمورین مشغول نمیگذاشتن بیانات میباشند میهند
نیز نقشه شهر را کشیده به کمپسیون میدهند و کمپسیون
بامأمورین حکومت در تحت ریاست حاکم و تصدیق
مفتش قرار می خواهند داد که عموم کوچه و بازار و خیابانها
متدرجاً وسیع شود و میزان توسعه از قرار ذیل است

عرض خیابانهای دولتی هجده ذرع عرض خیابانها
درجه دوم پانزده ذرع عرض کوچه های درجه اول
دوازده ذرع عرض کوچه های درجه دوم ده ذرع
عرض کوچه های درجه سیم هشت ذرع عرض کوچه ها

کوچک بن بست که مخصوص چند خانه است از نشانی چها
ذرع این مجمع بعد از تعیین درجات خیابانها و کوچهها
و بازارها حتی المقدور راهنما در استقامت آنها خواهد
نمود و در یک لایحه اسامی و وسعت خیابانها و کوچهها و
بازارها را نوشته زیر لایحه را مهر کرده بر پلیر که پیشون
میدهند که در وقت تعمیر و تجدید دیوار و اینچه واقعه
در جلو خانه از روی همان لایحه اجازه نامه معماران دهند
و تکلیف معمار این است که نا صاحب خانه بمضمون اجازه نامه
و حکم نقشه راضی شود اقدام بکشیدن دیوار و تجدید بنا

نماید **فصل سیم** از تکالیف مهندس معمار
که پیشون بن بست که هر وقت شخصی اجازه نامه برای بنائی
بخواهد آن بنا را مساحت نمایند و با ملاحظه شرایط مخصوص
اجازه نامه بدهند و در آن تصریح کنند که فلان شخص در
فلان ذرع مربع فلان و فلان بنا را خواهد ساخت

فصل چهارم اول کار مهندسان بن بست که تمام
کوچهها و بازارها و شوارع را باز دید نمایند هر جا برآمدگی
و سکونی در جلوی دکانی یا در دیواری مشاهده کنند به
توسط حکومت مالکان دکان و دیوار اعلان نمایند که در
طرف پانزده روز از ان خراب کرده و اگر آن را بر دارد اگر این
مدت منقضی شد و اینچه مالک امثال بنمود مهندسان
با معمار و یک نفر صاحب منصب پلیر بقدر کفایت جمعیته
از پلیر شبانه یا بختل و فتنه آن سکو یا برآمدگی را خراب
کنند و مخارج خراب کردن آنرا اگر سکوی دکان است از
مشاخر میگیرند و از مال الاجاره که باید بدهد که
کندارد و اگر آمدگی دیوار و امثال است مخارج هدم را از
مالک میگیرند **فصل پنجم** هر بنای دولتی که
ساخته یا مرتت خواهد شد قبل از شروع مهندس معمار
باید نقشه آنرا بسازند و مخارج آنرا بر آورد نمایند و صورت

خرج و نقشه را بکسپون بدهند کسپون در آن وقت
 نظر نموده نگاه بجا که تقدیم کرده حکومت به وزارتخانه که
 راجع است اصال میدارد اینیه موقوفه و امثال آن نیز
 حکم بناهای دولتی را دارد **فصل هشتم** تقسیم
 آبهای شهر و معین نمودن دخت سونخانه ها و سایر اعیان
 که از این قبیل است یعنی فنی و علی است از تکالیف میهند
 و معماران است **فصل نهم** هرنای که مشرف
 بخزانی و انهدام میشود باید مهندس و معمار باز بدو
 رسیده نموده وضع و حالت آنرا رسا و تحریر بکسپون
 اظهار و اعلام مینماید و کسپون احکام لازمتر از امر
 میدارد **فصل دهم** مأمورین اسنادتیک یعنی
 مقایسه و موازنه در آخر هر سال در هر محله و قریه شهر و
 ولایت مقدار بیع و شرا و ترقی و تنزل قیمت املاک و اراضی
 و زیاده و کسود مال الاجاره و موالید و وفیات و

مستحقات و تراب و منافص مالیات و امثال آنرا که راجع
 بسنه آتیه است در جدولی که مأمورین در ذیل مشاهده
 میشود در پنج نسخه نوشته به کسپون میدهند کسپون
 و تصدیق بحکومت تقدیم خواهد نمود که سه نسخه از آن
 بعد از تصدیق بوزارت داخله و مالیه و اداره مرکزی
 اصال دارد و یک نسخه را در دفتر حکومت نگاه دارد و

بعد از تصدیق

نسخه دیگر را به کسپون اعاد دهد **فصل یازدهم**
 از دو نفر کتابت و قایم یکی مأمور ثبت اطفال ناز و متولد شد
 و وفیات و اشخاص مجاری دفن و اشخاص از خارج آمده
 و احوال عسکرانه است دیگری بر ثبت امور و متعلقه باملاک
 و اراضی مسپرد از دو ان عبارت است از بیع و شرای قطع
 و بیع شرط و هر حق هبه و موقوفه شدن ملک و زمین از
 ملک و زمین دیگر و الحاق ملک و زمین بملک و زمین
 دیگر و وقف ارضی و املاک و هیچ معامله در دفتر دو

بدون سند صحیح مجرا نخواهد شد **فصل دهم** از
سرفرشت بردار یکی مأمور اعمال بنائی است دیگری
بعل اجاره و استجاره املاک و اراضی سید کی میباشد
و تکلیف سببی اینست که نذکره مرود از نذکره مرود
امانده مرود که بهر وزیر خارجه محوم است حاکم هر بنا
از امر کند **فصل یازدهم** وقت تعطیل دفترها را
باید در صندوق گذاشته بدفترخانه بفرستند اما در
ایام غیر تعطیل هر روز قبل از اجتماع و حاضر شدن مأمورین
باید دفتر دار دفترها را از صندوق تحانه مجلس بیاورد و
در جای خود بگذارد و در هر حال محافظه دفترها از هر نوع
آفت و ظفئه دفتر دار است **فصل دوازدهم** پاک
کردن و حلت کردن کلمات در دفتر و نذکره و جواز منع
و هر وقت سهوی اتفاق افتد باید بر روی کلمه یا کلمات
سهوشده خطی کشید بطوریکه باز خوانده نشود و صحیح

از جای دیگر نوشت و هر کس خلاف این کند باید بموجب
فصل بیست و یکم از باب پنجم مجازات خواهد دید
باب ششم در مجرای املاک و اراضی و تعداد نفوس
قراوان مشتملست بر چهارده فصل **فصل اول** بعد
از ممیزی و تجزیه بلاد نوبت تجزیه قرا می شود انوقت هیئت
کمسیون و حکومت و مأمورین ممیزی و تجزیه مجلسی منعقد
ساخته بموجب دستور العمل دیوان قرای تابعه هر شهر
و ابوضع بلوک بلوک از هم جدا نمایند و تجزیه و ممیزی
هر بلوک بر عهده یکدسته مأمور موكول میشود و بر
رشته داران ولایت اسامی قرا و مبلغ و مقدار مالیات
نقدی و جنبی عوارض آنها را با تعیین تیولان و املاک
خالصه و املاک اربابی و رعیتی صریحاً در دفتری نوشته
بدست مأمورین میدهند **فصل دوم** برای
بیشتر وقت کار مأمورین قبل از آنکه بدو هات روند حکومت

باید پیشکاران و کدخدایان و ریش سفیدان قرار اخضا
نماید و حسن قبیح کار را با ایشان بنمایند و نوشتن از ایشان
بگیرد که در قایم امیر یا شاه یا بانها معلوم نموده است
بقدریکه لازم دارند فرارش سواره با هر دست قوامور همراه
کند **فصل سیم** وقتی که قوامورین داخل بلوکی
میشوند هر شش قتر را بمناسبت قریب جوار یک دایره قرار
میدهند و قبل از شروع بعمل و تجریر چند کار میکنند
اول بکنفر محض با انتخاب اهالی تعیین مینمایند و کدخدایان
هر قتر را هم شریک عمل خود قرار میدهند بعد ازان
کدخدا و محض را قسم میدهند که نرند و لیت خیانت کنند
و با بهالی و انچه کوبند و کنند مبنی بر حقیقت و عدالت
باشد انوقت حد و دشرقی و غربی و شمالی و جنوبی هر
قتر را معین نمایند و مسافت هر دهکده را از شهر و از
دهات معتبره دیگر مشخص کنند نیز توضیح نمایند که فلا

قتر در فلان جهت شهر واقع است و در چه نایم شروع
بمیزی و تجریران قتر نموده اند و آنهایی که اراضی قتر
را سپر اب مینمایند از چشمه بار و در خانه بافتات است و ان
قتر خالصه با ملک بکنفر یا چند نفر یا از ان رعایا است و
اگر وقت با قبول کسی است از انظر اظهار دارند و معلوم کنند
که عده محصولان چیست و از حاصل صنعتی چیزیکه جزو
عمل تجارت شود دارد بانه و اگر دارد از چه قبل است هم
چنین معامله از بابی آن چگونه است و چند نفر سرباز
دارد و مراقب ان مخصوص یا مشترک است و اگر اراضی بار
دارد سبب بار نمایند ان چیست نیز اگر جنگل دارد چگونه
قطع اشجار جنگلی مینمایند و از این باب چیزی بمالک
قتر و دیوان میدهند بانه و هر چه از این قبیل اطلاعات
عمومی است باید در ابتدای دفتر هر قتر ثبت شود
فصل چهارم هر دست قوامور بعد از تحقیق مطالب

مشروع در فوق دو دست شده بکف قرار ماور و یک ثبت بر دار
و دو متاع و یک مخزن بکف قرار و یک نفر نایب ماور و یک ثبت
بر دار و دو متاع و یک مخزن بکف قرار دیگر میروند و شروع بکار
و تجزیه نموده املاک و اراضی و نفوس را بهمان وضع شهر در

دفترها جدولی داردستی ثبت میکنند **فصل پنجم**

بعد از اتمام عمل و تجزیه و تحقیقات و تدقیقات لازم در مضبوط
و امضای املاک و اراضی و نفوس از در پیش ماورین
فرستند که در کمسیون مرکز نظارت تحقیقات و تدقیقات

شود و ممضی گردد **فصل ششم** ماورین بعد از

فراغ از کار و ماورین استشهاد نامه از اهالی محل ماورین
خود باید حاصل نمایند و اهالی در آن استشهاد نامه شهادت
داده باشند که ماورین دیناری از احدی رستوه نگرفته و

هر چه اقباع نموده اند و سایر ارباب طبق معمول و نرخ روز داده
و هیچگونه اذیت و صدمه مالی و جانی و آبرویی بکسی وارد

نیاید و اند **فصل هفتم** هر ماور و نایب ماور و

ثبت بر دار و متاعی باید در آخر هر ماه در جدولی که صورت
آن در آخر سال مشاهده میشود ثبت کنند که در نظرها

چند قطعه اراضی املاک و چه قدر از نفوس را اشاره نموده
و ثبت دفتر نموده اند و زجر جدول را مهر کرده بر پیش ماورین

اصصال دارند و رئیس مرکز و ارباب اراضی کرده با داری کل

بفرستند **فصل هشتم** غیر از روز جمعه اعیان دستورها

ماورین مجبورند که هر روز از اول طلوع آفتاب مشغول کار

و ماورین خود شوند و هنگام ظهر یک ساعت صرف غذا و

استراحت نموده باز بکار بپردازند و مشاغلان یک ساعت بفر

مانده و سایرین به ساعت بفر و مانده دست از کار بکشند

فصل نهم بعد از حصول تجارب اداره کل معین خواهد

خواست که در هر یک از فصول اربعه سال هر یک نفر

از ماورین در روز چه قدر کار باید بکند **فصل دهم**

در او خیر یا شر یا واسطان با قضای ماکن در وقتی که بادران
 و برین و سر ما مانع کار میشود دسته های مامورین از محل
 ماموریت خود بمرکز ولایت معاودت نموده در اوانی که به
 جهت افضای فضل باید در مرکز نمایند دفاتر دستی خود را
 که امضا و تصدیق شده بدفاتر اساسیته اصلیه انتقال خواهند
 داد **فصل یازدهم** عدد عمومی هر دفتر بمرکز دفتر و بسا
 مجریات بمرکز آبی باین نقش که ثابت باشد نوشته میشود و
 اعداد عمومی دفاتر نفوس بدفاتر املاک و اعداد عمومی
 دفاتر املاک بدفاتر نفوس نقل خواهد شد **فصل**
دوازدهم در دفاتر اساسیته املاک شهرها اول بیونات و
 مستغلات محلات بترتیب ثبت خواهد شد بعد بازارها
 بعد باغات بعد اراضی مزروعیه و غیر مزروعیه و بابر محل
 اما در دفاتر املاک و اراضی هات اول از دایره دهمش اول
 شروع کرده بیونات و مستغلات و بعد باغات و اراضی قریه

اول ثبت مینمایند بعد بیونات و مستغلات و باغات و اراضی
 قریه دوم را و بعد از تکمیل دایره اول شروع بدایره ثانی کرد
 و پس علی ذلك در دفتر نفوس هم اول نفوس قریه اول
 دایره اول را و بر این قیاس ثبت خواهد شد **فصل**
سیزدهم هر نوع و فایع در دفتر روزنامه ثبت خواهد شد
 و نباید اظهار در دفترهای دستی نوشت که اسباب اغتشاش
 ثبت شود **فصل چهاردهم** بعد از تکمیل عمل ثبت بر
 هر محله و قریه صورتی از دفاتر اساسیته املاک و نفوس قریه
 خواهد شد همچنین بهر تفریق از ذکور و اناث و صغیر و کبیر
 تذکره از تذکرات نفوس داده خواهد شد و در آن
 تذکرها هر کس مالپانی داشته باشد معین میشود **باب**
هفتم در بیان تکالیف عمومیته پیشه ازان و رؤسا
 سایر ملل و کدخدایان محلات و رئیس سفیدان اصناف و
 دالانها کاروانسراها و غیرها و ان مشملت بر بارزده

فصل اول هیچ پیشنامی نباید بدو اجازه

اداره بجز هر چه بصغر عقد دائمی یا بصغر که مدت آن زیاده از یکماه باشد جاری نماید و رؤسای روحانی ملل غیر مسلم که بتغر این دولت میباشد نیز فی اجازه حق عقد ندارند

فصل دوم که خدا بان محلات در امر مزاجتها باید

تحقیقات بعمل آورده اگر مانع شرعی در پیش نباشد اسم زوج و زوج و پدر آنها را با عدد عمومی دفتر آنها نوشته و به رسم محله مخوم نموده بداماد یا وکیل او داده که با دایره بزرگ برساند و اجازه نام بگیرد **فصل سیم** چون بدو

اجازه اداره احدی حق ندارد که خانه و دکان و سایر املاک و اراضی اجازه دهد یا اجازه نماید پس آن ملک اگر در محلات و دهات از قبیل خانه و دکان و انبار باشد از پیشنام و کدخد نوشته میگیرد که در آن اسم موجر و مساجر و مبلغ مال الاجاره و حاصل ملک نوشته شده باشد نگاه آن نوشته را

بداره آورده اجازه نام حاصل میکند اما برای دکان بزرگ و کاروانسرا و میدانها و املاک بازاری از هر قبیل که باشد آن نوشته را باید از رؤسا و در پیش سفیدان اصناف دریافت

نماید **فصل چهارم** دالانهای کاروانسراها

و قهوه خانهها و غیره در صورتی حق قبول و جادادن مسافر بلده و بلوکات و لایق خود دارند که آن مسافر تذکره نفوس یا ضامن داشته باشد همچنین مسافر غریب باید تذکره نفوس و تذکره مرد و یا ضامن داشته باشد و الا قبول و جاداده نخواهد شد بلکه دالاندار و صاحب قهوه خانه و غیره مجبورند که واردین تذکره را با بلیس بداره بفرستند

فصل پنجم در پیش سفیدان و رؤسای اصناف هر

شخصی اخلاص صفت نباشد یا شخصی از افراد همان صنف ترقی و تزل نماید باید در اخر هر ماه در سمان از اداره اطلاع دهند **فصل ششم** احکام از بنایان و معماران حق ندارند

بدون اجازه اداره درجائی بساختن بنائی باخراب کردن
عمارتی اتمام نماید **فصل هفتم** که خدايان محلات
دهات مجبورند که هر بنائی بی اجازه اداره بخواهند بسازند
باداره خبر دهند و نوشته بکیرند که خبر داده اند و اگر خبر
ندهند مورد مؤاخذه خواهند شد **فصل هشتم**
احدى از ذکور و انات حق ندارد بدون تذکره مورد قلم
بخارج ولايت خود کند و اما در داخل ولايت اگر بخواهد
بجائی برود همان تذکره نفوس او کافی است و بايد از اجازت
داشتن باشد و الا مورد مؤاخذه خواهد شد و خست
خواهد بد **فصل نهم** تا تذکره نفوس عارض معروض
ملاحظه نشود در هیچ يك از دواير رسمى دولت اعتنائى
بمرايى آنها نخواهد شد بلكه اجزای آن دواير شخصى
تذکره را با ما مورد اداره خواهند فرستاد **فصل دهم**
هر شخص مالیات بدو اگر بخواهد بخارج برود و چیزی از

مالیات و باقی مانده باشد باید آن باقی را نقد اکارست
کند و ضامن برای ادای مالیات خود بکند خدا بدهد و
الا تذکره مورد داده خواهد شد **فصل یازدهم**
هر نوع صدق و شهادت نامه که پیشمازان و کد خدايان
محلات و دهات و رؤسای اصناف باهالی میدهند حق
دارند از ده شاهی له بکومان اجرت تجر و حق الزحمه دریافت
نمایند **باب هشتم** در بیان مالیات مقرر و رسوئى
و ان مشتملست بر شش فصل **فصل اول** دولت علیه
ایران بعد از اجرای این قانون هر نوع مالیات و عوارض و
رسوم را متروک داشته فقط در ظرف هر سال از هزار دینار
قبلى مالک و اراضى خاصه و غیرها چهار دینار در پائى
مینماید هم چنین از صد دینار مال الاجاره املاک چهار دینار
و از صنایع و مداخل اصناف بموجب قرار نامه علیه از زوى
تناسب مالیاتى باسم پائى در ده قسقه خواهد شد

فصل دوم چون در هر سال از صد و هشتاد نفر نفوس

ذکور و سالان بکام قریه بکفر سر باز گرفته خواهد شد در

مقابل این خدمت از هر صد و هشتاد نفر نفوس ذکور غیر مسلم

نیز صد و پنجاه تومان در ده قسط دریافت میشود **فصل**

ششم بعد از این که برای انبار دولت از دهات گرفته

میشود بدین وضع خواهد بود که در وقت درو و رسیدن

حاصل ماموری مدهات می رود و از هر نوع حیوانات و بوی

و گیاه دهک از اعیان و از توپ و تیر و تیرک و جالیزهای جنگ

و غیره و هند و اند و کد و و تر پاک و جوزق و حریر و نیشکر و

چقند و دهک از اعیان در چهار قسط دریافت می نمایند

فصل چهارم شتر و گوسفند هر دهکده باقی بماند

در هر سال اول بهار شترده از هر شتر سه هزار و از هر گوسفند

یکقران گرفته میشود و از هر کندوی زنبور نیز در اواسط

پائیزه شاه دریافت خواهد شد و باقی حیوانات دهات

و عشایر از مالیات معاف میباشند **فصل پنجم** اجاز

نامه نکاح باکره دوازده هزار و نکاح ثقب بکفر دینار و پنجاه

دارد و تصدیق اسناد شرعی جامع ملک در یک تومان پنج

شاهی از قصب با از مال الاجاره دریافت میشود و از اجاز

نامه تعمیرات ده شاهی و از بناهای جدید برای هر ذرع

مربع یک عباسی و از هر نیکو مرورد دوازده هزار و از بنا

دو تومان رسم ثبت گرفته خواهد شد **فصل ششم**

هیچ ماموری ماذون نیست نارسیدن کوه و جواز از آنکس بران

نذکره و جواز را با اسم کسی بنویسد **باب نهم** در بیان

مکافات و مجازات و ان مشملت بر بیست و شش فصل

فصل اول تشکر و تشکی مفتش و مدبر و مامورین ادار

مبیزی و تحریر در دولت علیه مشتمل خواهد بود

فصل دوم حسن خدمت و صداقت مامورین تحریر

هیچ وقت فراموش نخواهد شد و از جانب دولت علیه

مورد التفات و مرجع خواهد کرد **فصل سیم**

عموم و اموری و صاحبان مواجب و هر کس که بابت مجبور و
مکلف اند که از دل و جان مشغول خدمت و انجام مأموریت
خود باشند و مقصد و هیچگونه شراکت و مزاحمت نشوند و
در کار خود حجت و جهد را بعمل آرند تا بد درجات طفا

ملوکانه نایل گردند **فصل چهارم** علما و اعیان و سادات
و اشراف و صاحبان املاک هر ملک باید بدون هیچگونه
اعتراض و اجرای فصول این قانون جهد و سعی نمایند تا
با امتیازات جلیل و مزایای شاهنشاهی مفتخر و مباهمی گردند

فصل پنجم هر یک از مأمورین و مجریین در خدمات دولت
پیرایه عمل شوند و از کار بیفتند دولت علیه منعقد است
دو ثلث مواجب و راد حق و استمرار ابرقرار دارد و از خدمت
معاف در سلك دعا کو بان منسلك دارد **فصل ششم**
هر کس خبر نقض و مقتضی را با داده برساند نصف جرای

نقد بک از مقتضی دریافت میشود با داده خواهد شد

فصل هفتم هر مأموری و مأمورین اداره و محترم
کمتر از مقدار معین کار کند بدست کمی از مواجب و کسر
کند است خواهد شد و هر کس بیشتر از اندازه تکلیف خدمت
نماید بهمان نسبت با و انعام داده خواهد شد **فصل هشتم**

هرگاه حاکمی نتواند در دایره حکومت خود این قانون را اجرا
دارد همان آن از حکومت معزول میشود و حاکم مقتضی
بجای او منصوب میگردد و حاکم معزول مدت پنج سال از
مواجب پوائی و شغل و مأموریت محروم میماند و بر حاکم
مقتدر لازم است که مقصدین را که مانع اجرای قانون بود
اند تحت الحفظ و انذار و اختلاف نماید و درجات تقصیر
انها را بطور وضوح بعرض برساند که با اندازه تقصیر آنها
جزا داده شود **فصل نهم** اگر شخصی نخواهد با فضل
افشا و اغوا پردازی و اهالی را بر منع اجرای احکام قانون

تخصیص نماید بدون ملاحظه نجابت و شان از پنج سال تا
پانزده سال در انبار دولت محبوس خواهد شد و اگر مؤلف
و القای از دیوان دانش را باشد در مدت حبس از آن محروم
خواهد بود **فصل دهم** اگر یکی از مأمورین تخیر بر
رشوه و غارتی از کسی قبول کند آن رشوه و غارت ادبوان
از او خواهد گرفت و معادل همان راهم از او بطور جریمه
در یافت خواهد نمود هم چنین بار رشوه دهنده هم همین مقدار
خواهد شد یعنی از او هم معادل آن رشوه و غارت گرفته
میشود و مأمور سه سال تمام حبس خواهد شد و دولتی
هم از مأموریت محروم خواهد ماند **فصل یازدهم**
هر مأموری از اهالی جزایب چیزی مفت بخواد و بگیرد
بعد از ثبوت حقایق اهالی از او گرفته مسترد میشود و خود او
از مأموریت اخراج خواهد شد **فصل دوازدهم**
هر صاحب خانه باید مانع دخول و ورود مأمورین بجائز

خود نشود و اگر بعد از اخبار زیاده از مقدار مأمورین تخیر
و معطل کند و نکند از داخل خانه شوند از یک تومان الی پنج تومان
از او بعنوان جریمه گرفته خواهد شد و اگر اعتنا بامر دولت
نماید و بجهت مأمورین کند از یکماه الی یکسال او را حبر
خواهند نمود **فصل سیزدهم** هر مالکی نکند از تمام ملک
او را مأمورین تخیر نماید بلکه کند از یکماه الی ششماه حبس
خواهد شد **فصل چهاردهم** اگر چندی در تخمین قیمت و
تعیین درجه از اصفی دولت و اهالی چنانست کند ضعف مبلغ
مواجبی که در اقول مأموریت خود تا از روز گرفته از او در پیا
خواهند نمود و بقدر مدت مأموریت حبس خواهد شد
و رؤسای اصناف نیز اگر در تعیین درجه ضعف خودشان نسبت
کند از یکماه الی ششماه محبوس میشوند **فصل پانزدهم**
اگر کسی در وقت تعداد نفوس کمان نقشه نماید اگر آن زن
باشد سه تومان جزای نقدی از کمان کننده گرفته خواهد شد

واسم ان زراعت دفتر نموده نذکر نفوس با و داده میشود
 و اگر مرد باشد نایازده ساله از برای هر یک سال عمر او بکوتاه
 و از یازده الی بیست برای هر سالی دو تومان جزای نقدی
 گرفته میشود و اگر مرد کتان شده مسلمان باشد و سنش از
 بیست گذشتن فقره او را سرباز می کنند و پنج سال در خدمت
 سربازی می ماند و اگر غیر مسلم است و سن او از بیست گذشته
 صد و پنجاه تومان از برای عوض و بدل عسکری می گیرند
 اما شخص مکتوم اگر از حاکم ولایتی که بعد از نفوس ان نشد
 کاغذی داشته باشد که در زمان تجر نفوس وطن مکتوم
 او در آن ولایت بوده جزای نقدی از مکتوم ساقط و بر عهد
 اشخاصی خواهد بود که دفتر دستی نفوس را مقرر کرده اند

فصل شانزدهم هرگاه کاسبی در پیش صنفی مکتوم
 دارد واسم او را در دفتر اصناف قلم دادند باید و ان کاسب
 هم این فقره را غنیمت شمارد و بآداری تجر تهاطها را نماید از

برای هر سالی باندازه مالیات درجه اولی همان صنف جزای
 نقدی از او گرفته خواهد شد و هرگاه فوراً بیاید و بآداری
 خبر دهد چیزی را زود دریافت خواهد شد فقط سربازان

از رئیس صنف خبر خواهند گرفت **فصل هفدهم**

هرگاه شخصی در داخله ولایت خودی نذکر نفوس سفر
 کند و او را که خدایان قرا با دالان دارهای کار و اندر آنها
 با سپارادارات و دوایر بآداری تجر تهاطها را نمایند و او ثابت
 کند که داخل در دفتر نفوس می باشد محض اینکه برخلاف
 قانون نذکر نفوس خود را همراه بر نداشتن بکفرارد بناراز

او جزای نقدی گرفته میشود **فصل هیجدهم** هرگاه شخصی

خارج از اهالی ولایت از جایی با اداره فرستاده شود و او
 نذکر مردنداشتن باشد اداره او را تحت الحفظ ولایت
 خود معاودت میدهد و اگر شخصی از تبعه خارجی باشد
 باشد هرگاه قسولی از جانب دولت متبوعه او در آن ولایت

اینکه در دفتر نفوس
 ثبت شده باشد
 و اگر در دفتر
 ثبت نشده باشد
 و اگر در دفتر
 ثبت نشده باشد
 و اگر در دفتر
 ثبت نشده باشد

باشد و در امان امور مخصوص نزد قنصل میفرستند و اگر
 قنصل در آن ولایت نباشد او را از حد و دولايت بیرون میکنند
 و اگر معتبر باشد میتواند ضمانتی از اهل ولایت بدهد تا
 با شریعت بیورد اداره پس از اطمینان از ضمانت او را رها
 میکنند و بعد از انقضای مدت معتبره از ضمانت با شریعت
 مطالب میشود اگر با شریعت را ابراز نمود و نه آن تبعه را
 راست بگویم کرد مسئول و بمنزله جاسوس خارجی خواهد بود
 و مورد مؤاخذه خواهد شد **فصل بیستم** هر مقامی بابت
 بدون اجازه نامه اداره دیوار کسی اندود کند یا خشنه
 در زمین کسی گذارد شش ماه محبوس خواهد شد و از حبس
 ملک سببر ابر مالیات ان ملک بعنوان جریمه گرفته خواهد
 شد و اگر دیوار و بنائی بالا برده و ساخته شده باشد که
 بموجب نقشه هدم آن مقرر باشد خراب میشود **فصل**
بیست و یکم هر مقامی رویت کننده در هر قسم اوراق و قمار

منقول از مرقع
 کاشف از مملکت خود را
 اداره بعد از آنکه
 ضعیف است ملک آن
 مورد مساجد
 خواهد شد

و نه کرده و جواز کلام یا کلماتی را حاکم و محو نماید اگر سهواً اینکار
 کرده و حبله و فساد در آن کار نباشد دفعه اول معفو
 شود و دفعه ثانی موجب بکروزه یا رسویمه یا هتراه او داد
 نخواهد شد بعد از آن اگر متنبه نشد اخراج میشود
 اما در صورتیکه بقصد خیانتی کلام یا کلماتی را حاکم و محو
 نموده باشد بموجب فصل دهم و سیزدهم همین باب مجازا
 خواهد دید **فصل بیست و دوم** هر پیشنمازی بدو تن
 اطلاع و اجازه اداره صنعت عقد دانی یا صنعتی که زیاده
 از یک ماه مدت داشته باشد جاری کند سه تومان جزای
 نقدی از او گرفته میشود و باید در آخر هر ماه حتماً یک حد
 محله جزید دهد که در ظرف ان ماه چند طلاق واقع شده و
 رؤسای ملل خارجی تبعه این دولت نیز تابع همین فصل
 میباشد **فصل بیست و سیم** علما و پیشمازان نباید صنعت
 عقد دانی یا موقتی جاری نمایند مگر وقتی که زوج و زوجه

اهل محله خودشان باشند اگر یکی از آن دو اهل محله
دیگر باشند لابد باید عالم یا پیشماز آن محله در مجلس جاری
کردن صیغه حاضر باشد و ممکن است آن عالم و پیشماز
و یکی از جانب خود با مجلس بفرستند و این برای آنست که فضا
بظهور نرسد **فصل بیست و چهارم** احاکم شرع هر بلد
اگر کسی اوصی یا وکیل یا ولی ایتم شخصی قرارداد بایستد
شرعی و کالت یا وصایت یا ولایت را بد فتراده رسانند
در اینجا ثبت کنند اگر بکاه از تاریخ سند گذشت وکیل
یا وصی یا ولی آنرا باده بیاورد بچهار دینار از او جزای
نقدی دریافت میشود و سایر احکام راجعه بایتم
راجع بقانون حفظ اموال ایتم است **فصل بیست و پنجم**
ند که نفوس املاک هر کس که و ضایع شود بعد از رجوع
ثبت بکف از دینار از او گرفته عوض آنرا بامید دهند
اما برای هر نوع جواز گشوده شاه که گرفته خواهد شد

فصل بیست و ششم هرگاه که خدای محله یا قریه
دفتر نفوس یا املاک یا مالیات عمومیه محله یا قریه را
که و ضایع کند برای هر یک سطر یکشاهی از او جزای نقد
گرفته میشود و شش هزاره بامید دهند **باب دهم**
در بیان احکام مختلفه و تبعه خارجه وان مشتمل بر چها
فصل است **فصل اول** مالیات یا بخت یعنی اجازه
کسب هر شخصی در هر ملک که کسب میکند گرفته خواهد
شد اما اعانه عسکر و غیر مسلم در هر جائیکه نفوس خانه
او ثبت دفتر شده دریافت میشود **فصل دوم**
جز سفارتخانه ها و قونسولخانه ها و پلقات متعلقه ببدل
متحابه املاک و اراضی تبعه خارجه مثل املاک و اراضی
تبعه داخله میباشد ولی لازم است قبل از تحریر هر ملک
حکومت بسفرای دول و قونسولها رسماً اطلاع دهد
که بتبعه خود اطلاع دهند که مانع اعمال تحریر نباشند

و هر چه از ایشان سؤال میکنند جواب صحیح بدهند

فصل سیم مالیات املاک از تبعه خارج برتر گرفتن

خواهد شد اما مالیات کسب موافق قانون مقابلۀ

بالمثل گرفتن میشود **فصل چهارم** معاملات عسکری

و تعداد اغانام و مواشی اخذ عشر از اربعین و تعیین

علمه مخانی از برای نشوئه طرق که دوایر تحریریه مرجع

امور مدن کوره است در قانون علمیه تعیین خواهد شد

توضیح در فصل فوق بجهت ساختن طرق مخانی

اشاره شده این فقره یکی از مسائل مهمه است که در تمام

دول متقدمه معمول است و ترتیبی مخصوص دارد که بدین

دیناری خرج از طرف دولت در مدت کمی تمام راه های

ملکیت ساختن خواهد شد و حفظ راه های ساختن هم

بر عهده دولت نخواهد بود چنانکه دولت عثمانی تعلیلید

دول فرنگ اغلب راه های ملکیت خود را با همین ترتیب

ساخت و قابل عمده روی نمود اگر برای مطالعه کنندگان

علاقه کبر و اظهاری شود ممکن است این ترتیب هم در

لا محضه علمیه نوشته شود **باب یازدهم** در مخارج

معینه دولت و ان مشتملست بر چهار فصل **فصل**

اول مالیات بیوفات عجمه و مساکین و بیوه زن

و ایام فقیر و بدکات عسکریه و از کار افتاده کان بچیز

و رؤسای ملت خارج از اسلام و اخزانۀ دولت خواهد

داد و حساب این قسم مخارج و تصدیق آن بابشمازان

و که خدا بان هر محله و قریه و مجلس ملتی جماعات خارجه

و مدبر تحریرت و کمسیون است **فصل دوم** مقدار

و مبلغ معینی از مالیات جدیدۀ مسطورۀ در باب هشتم

از برای اداره بلدیه هر شهر و قصبه و هر دایره تحریرت

معین خواهند کرد که در راه آبادانی بلد و اماکن خود

صرف نمایند **فصل سیم** مخارج دفاتر اساسیه

واملاک و اراضی و اینک جدید و تعمیرات و اصناف
 روزنامجات و خلاصه ها و نذکره نفوس و دفاتر دست
 و محلات تذکره ها و جوازها و سایر اوراق بخصوص
 مرکبهای ثابت قهر و کبود و مهر و صندوق و فرش
 اطاقها و زغال و هیزم و فسائی از خزانة دولت داد

خواهد شد **فصل چهارم** مواجب مدبران
 و هیئت مقیم و اعضای که پسون دائمی و اجرت
 نلکراف و دست مخاربات و سهم و خرج راه و مواجب
 مخربین و فایع در دهان و خرج راه سایر امور
 هیئت مقیم نیز از خزانة داده میشود

خاتمه
 اجرای فصول و احکام این قانون از تکالیف عمده و زائد
 داخل و مالی است
 این لایحه بر حسب فرمایش یک از رجال و وزرای معظم دولت



علیه ترجمه و تالیف شد امید که خاطر پسندان و ذوق مخم و
 سایر دانشمندان اهل مملکت شود چه سخن در وی بکر
 صاحبی داشت و انا العبد الابق الباعی حسین علی

المراعی الملقب باعتماد السلطنة
 سنه ۱۳۷۰

بر حسب فرموده صاحب الامر و اهل الدوم و سایر علمای تبریز
 که نسبت به این لایحه و سایر امور دارند و تاکنون
 در این باره عمل کرده اند
 ۲ فروردین ۱۸۹۰

تبریز
 آذرماه ۱۳۱۸ خورشیدی

